یادداشت

درمان بیماری اقتصاد

نیما نامداری

این روزها همه از دولت می‌خواهند قیمت ارز را مدیریت کند. تقریبا همه تریبون‌های سیاسی و اقتصادی و حتی فرهنگی و مذهبی به دولت حمله می‌کنند که چرا کاری نمی‌کند و از آن سودولتی‌ها هم مبهوت و مستاصل هر کاری که از دست‌شان ساخته است، می‌کنند؛ اما قیمت دلار بالا می‌رود که پایین نمی‌آید. کار به جایی رسیده که رئیس دولت، تاثیر قیمت دلار در بازار آزاد بر اقتصاد کشور را کمتر از یک درصد دانسته است.

به همین دلیل نیز از این همه توجه به این نرخ خشمگینانه انتقاد کرده است. حق با چه کسی است منتقدانی که از دولت می‌خواهند کاری کند یا دولتی که معتقد است هر کاری که می‌شد، کرده است؟

برای پاسخ به این سوال بد نیست مثالی بزنم. فرض کنید شما سردرد دارید. چند ساعتی با سردرد مماشات می‌کنید شاید یک مسکن هم بخورید؛ اما اگر سردرد درمان نشود احتمالا به پزشک مراجعه خواهید کرد. اما برای سردرد به چه متخصصی باید مراجعه کرد؟ شاید سردرد مربوط به یک تنش عصبی باشد و به روانپزشک نیاز باشد، شاید سردرد نشانه یک بیماری خطرناک مغزی باشد، شاید مشکلی در چشم‌ها عامل این سردرد باشد و صدها شاید دیگر. پزشکان سردرد را یک نشانه (Symptom) می‌دانند که می‌تواند نشانه صدها بیماری (Disease) مختلف باشد. اگر سردرد شما فراتر از یک مشکل چند ساعته باشد، آن گاه دیگر کسی به‌دنبال درمان سردرد نیست، بلکه تلاش می‌شود نشانه‌های دیگری هم شناسایی شده و بیماری اصلی شناسایی و درمان شود. نظام اقتصادی نیز مانند بدن انسان یک سیستم پیچیده و پویا است. در این نظام اقتصادی، تغییرات نرخ ارز شبیه سردرد یک نشانه است. طبیعی است که باید به نشانه‌ها حساس بود؛ اما درمان بیماری، کاری فراتر از پاک کردن نشانه‌ها است. اگر سردرد شما به دلیل مشکل مغزی باشد حتی اگر به زور داروهای مسکن سردرد تخفیف یابد هنوز بیماری اصلی درمان نشده و حتی بدتر، درمان اصلی به تعویق افتاده است. اگر تغییرات شدید و پایدار نرخ ارز را نشانه یک بیماری بدانیم، بدیهی است که باید از دولت انتظار داشت که این نشانه را جدی بگیرد و مهم نیست که تاثیر مستقیم آن بر اقتصاد چقدر باشد. سردرد هم کسی را نمی‌کشد؛ اما اگر نشانه سرطان باشد مرگ بیمار بعید نیست. در عین حال همان‌طور که ما از پزشک نمی‌خواهیم فقط سردرد را برطرف کند و انتظار داریم بیماری اصلی را درمان کند باید از دولت هم بخواهیم آن بیماری اصلی را که این تغییرات نرخ ارز نشانه آن است، درمان کند. پزشک و اقتصاددان هر دو این مهارت و دانش را دارند که روابط علت و معلولی میان پدیده‌ها را تشخیص دهند و میان «نشانه» و «بیماری» تمایز قائل شوند. همان گونه که به مهارت پزشک احترام می‌گذاریم و به او اعتماد می‌کنیم به دانش و تحلیل اقتصاددان هم باید احترام گذاشت و درمان پیشنهادی او را حتی اگر پرهزینه و دشوار باشد، باید پذیرفت.

اقتصاددانان ماهر (که مهارت آنها را می‌توان با روش‌ها و سنجه‌های متعارف در دنیا و نه براساس تواتر حضور آنها در رسانه‌ها سنجید) از مدت‌ها پیش به دولت هشدار می‌دادند که در نتیجه سیاست‌های پولی و مالی دولت قطعا کشور با بحران اقتصادی روبه‌رو خواهد شد. حتی برخی از کارشناسان اقتصادی درون دولت بسیار تلاش کردند که در دولت آمادگی برای تصمیم‌های دشوار و پرهزینه را ایجاد کنند. اما متاسفانه جریان اصلی تصمیم‌گیری اقتصادی دولت توانایی (یا شاید تمایل) تمییز قائل شدن میان بیماری و نشانه را نداشت. به‌خصوص در دولت دوازدهم عملا سیاست‌گذاری اقتصادی دولت در کنترل کسانی قرار گرفت که نه دانش اقتصادی کافی داشتند و نه از شجاعت اتخاذ تصمیم‌های دشوار بهره‌مند بودند.

تغییرات نرخ ارز، فرار سرمایه، رانت، تورم محتمل در ماه‌های آینده و بسیاری نشانه‌های دیگر نشان می‌دهند که اقتصاد ایران دچار یک بیماری حاد است. بیماری حاد بدون درمان سخت بهبود نمی‌یابد. اقداماتی نظیر پیش‌فروش سکه، مبارزه با احتکار، باج‌دهی به بانک‌های ورشکسته، پول‌پاشی در نظام سلامت، کنترل قیمت انرژی و چنین شیوه‌هایی صرفا نشانه‌های بیماری اصلی را موقتا پنهان می‌کنند؛ اما آن را درمان نمی‌کنند. این بیماری ریشه در کیفیت و قابلیت سیاست‌گذاری در دولت و قوای دیگر دارد و صرفا یک مساله اقتصادی نیست. به همین دلیل درمان آن شجاعت تصمیم‌گیری و توانایی ایجاد همگرایی در ذی‌نفعان می‌خواهد.

آیا مشکلات فعلی راه‌حل اقتصادی دارد؟

بحران اقتصادی و نعل وارونه نهادگرایی

امین قلعه‌ای

اقتصاد ایران در میانه یک جنگ نفس‌گیر گرفتار شده است. جنگی در چند جبهه که یکی از آنها تحریم‌های نفتی و مالی ایالات متحده است. اما جبهه‌های دیگرِ این جنگ در داخل کشور است. از فساد افسار گسیخته تا بی‌ثباتی ناشی از تصمیمات خلق‌الساعه مدیران و فقدان یکپارچگی در نظامات تصمیم‌گیری، اجرایی و اداری کشور. در حاشیه این مشکلات اما جامعه ایران همواره شاهد نزاع‌های مستمر میان کارشناسان و اقتصاددانان کشور بر سر راه‌حل مشکلات بوده است. نزاع‌های نظری که کمتر اثری از تمایل به حل مشکلات از مسیر دستیابی به توافقات حداقلی در آن دیده می‌شود. در تازه‌ترین نمونه از این دست منازعات می‌توان به اظهارات حسین راغفر در کنگره حزب مردم‌سالاری اشاره کرد. جایی که این اقتصاددان در تشریح شرایط اقتصادی کشور گفت: «امروز نیز در حال تدارک یک جام زهر دیگر به رهبری هستند تا مقاومت‌ها را در برابر مذاکره بشکنند... یک گروه نفوذی برای ضربه زدن به انقلاب به اقتصاد ورود کرده و با گزاره‌های غلط، ذهن مسئولان ما را پر کرده‌اند.»

آیا مشکلات فعلی راه‌حل اقتصادی دارد؟

بیان این اظهارات از سوی اقتصاددانی که در فضای رسانه‌ای کشور با عنوان اصلاح‌طلب شناخته می‌شود تا حدود زیادی تعجب‌برانگیز بود. واقعیت این است که از چند وقت اخیر موضوع یافتن راه‌حل برای عبور از بحران اقتصادی پیش آمده در محافل کارشناسی کشور مطرح بوده است. بسیاری کارشناسان اقتصادی و حتی مدیران اجرایی معتقدند در حالی که شرایط سیاست خارجی متلاطم و در نتیجه جذب سرمایه‌گذاری خارجی با وقفه مواجه شده و یا در نتیجه عدم تصویب لوایح چهارگانه مربوط به مبارزه با فساد و پولشویی مبادلات مالی با جهان رو به قطع شدن است، سخن گفتن از راه‌حل‌های اقتصادی برای حل مشکلات تا حدود زیادی ناممکن است. از سوی دیگر با وجود گروه‌های منتفع از شرایط فوق‌العاده در اقتصاد ایران که علاقمند به استفاده از منافذ قانونی برای فعالیت‌های اقتصادی هستند و اصولا شرایط ویژه کشور برای انها رانت‌های بزرگ ایجاد کرده است تلقی وجود راه حل اقتصادی برای حل مشکلات کشور را با بن‌بست روبرو کرده است. به عنوان مثال می‌توان به شرایط فروش نفت توسط گروه‌های مافیایی در دور اول تحریم‌ها اشاره کرد. دوره‌ای که با پایان یافتن آن مشخص شد که عده‌ای با برخورداری از رانت‌های بزرگ ثروت‌های افسانه‌ای اندوخته‌اند.

در حالی که شرایط سیاست خارجی متلاطم و در نتیجه جذب سرمایه‌گذاری خارجی با وقفه مواجه شده و یا در نتیجه عدم تصویب لوایح چهارگانه مربوط به مبارزه با فساد و پولشویی مبادلات مالی با جهان رو به قطع شدن است، سخن گفتن از راه‌حل‌های اقتصادی برای حل مشکلات تا حدود زیادی ناممکن است

نهادگراها چه می‌گویند؟

سالهای میانی دومین دوره ریاست جمهوری اکبر هاشمی رفسنجانی، گروهی از اقتصاددانان منتقد سیاست‌های اقتصادی اولین گردهمایی رسمی خود را برگزار کردند. در واقع همایش نقد برنامه‌های اول و دوم توسعه پس از جنگ آغازی بود برای ظهور رسمی اقتصاددانان دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه که در طول سال‌های گذشته همواره به عنوان نهادگرایان در اقتصاد ایران شناخته شدند. اقتصاددانی نظیر فرشاد مونی و حسین راغفر را می‌توان در زمره نهادگرایان اقتصاد ایران محسوب کرد. نهادگرایان از طرفدار رویکرد «اقتصاد ملی» هستند. رویکردی که در میان قالب مکاتب اقتصادی با مکتب تاریخی همگونی بیشتری دارد. مکتبی که فردریک لیست در آلمان پس از جنگ بنیان نهاد و توانست با ترویج نگاه دورن گرا به اقتصاد ملی آلمان زمینه توسعه این کشور را فراهم کند. از همین رو اینگونه به نظر می‌رسد که نهادگرایانی نظیر فرشاد مونی و راغفر که این روزها بیش از دیگر نهادگرایان به سیاست‌های اقتصادی دولت اعتراض دارند، معتقدند که در شرایط نا مساعد سیاست خارجی و بدون یافتن راه حل مناسب برای از بین بردن تنش‌های سیاست خارجی می‌توان به رشد اقتصادی رسید و کشتی توسعه را به سر منزل مقصود رساند. این همه اما در حالی است که براساس تجربه می‌توان گفت که دوران دست‌یابی به رشد اقتصادی و توسعه بدون ثبات در سیاست خارجی و عادی سازی مبادلات تجاری با کشورهای جهان سپری شده است. نهادگرایان در توصیف شرایط مطلوب مد نظر خود عمدتاً به تجربه سال‌های جنگ اشاره می‌کنند. تجربه‌ای که البته به اعتراف مدیران دولتی در دوران جنگ تحمیلی چندان موفق نبود. بهزاد نبوی از میدیران ارشد اقتصادی کشور در دوران جنگ در این مورد می‌گوید: «امروز دهه شصت را مثال می‌زنند. به نظر این جور موضع گیری‌ها صرفاً برای جلوگیری از شکل‌گیری برجام و بهره‌گیری از نتایج آن یعنی سرمایه‌گذاری خارجی، مطرح می‌شود. امروز بزرگترین مشکل کشور ما فقدان سرمایه و تکنولوژی روز است. خودروسازی ما را با خودروسازی چین مقایسه کنید. من تا سال ۷۷ که به چین می‌رفتم، یک خودروی چینی نمی‌دیدم. امروز همه بازار جهان را تصاحب کرده‌اند. چون به سراغ سرمایه و تکنولوژی خارجی رفتند. به همین دلیل من فکر می‌کنم این صحبت‌هایی که در مورد دهه شصت می‌شود برای جلوگیری از شکل‌گیری چنین تحولاتی در اقتصاد ایران است. ضمن اینکه آن روش‌ها، در همان زمان هم جواب خیلی روشنی به مشکلات نداد. وضعیت اقتصاد ما در اواخر جنگ که فروش نفت به سالی هفت میلیارد دلار رسید، بسیار وخیم بود. بودجه ما در سال ۶۷ یا ۶۸، دقیقاً به یاد ندارم، ۱۰۰ درصد کسری داشت. چهارصد میلیارد تومان جمع بودجه بود که دویست میلیارد آن کسری بود.» راغفر در سخنرانی خود در کنگره مردمسالاری گفته بود: «بعد از جنگ تفکر و ایدئولوژی در کشور حاکم شد و گزاره‌های غلطی را به تکرار در ذهن مسئولان نمایندگان مجلس، وزرا و مردم پایه‌ریزی کرد.»

صحبت‌هایی که در مورد دهه ۶۰ می‌شود برای جلوگیری از شکل‌گیری برخی تحولات در اقتصاد ایران است. وضعیت اقتصاد ما در اواخر جنگ که فروش نفت به سالی هفت میلیارد دلار رسید، بسیار وخیم بود. بودجه کشور در سال ۶۷ یا ۶۸، ۱۰۰ درصد کسری داشت. ۴۰۰ میلیارد تومان جمع بودجه بود که ۲۰۰ میلیارد آن کسری بود

ادعاهایی دقیق نیست

اظهارات اخیر حسین راغفر، اقتصاددانان نهادگرا، اما سویه‌های دیگری هم داشت. موضوع «عدالت اجتماعی» و «مبارزه با فسا» همواره از مضوعات مورد علاقه اقتصاددانان نهادگرا بوده است. آنها همواره به وجود رانت در اقتصاد ایران اعتراض داشته اند و هر جا سخن از مبارزه با فساد بوده است، این اقتصاددنان نهادگرا بوده‌اند که برای اظهار نظر خود را به سر صف رسانده اند. چوب جادوی نهادگرایان برای مبارزه با فساد اما «اقتصاد دولتی» است. آنها مخالف واگذاری امور به بخش خصوصی هستند و معتقدند که نتیجه واگذاری‌ها به بخش خصوصی، تعطیلی واحدهای اقتصادی، بیکاری و فساد بوده است. آنچنان که در نامه اقتصاددانان نهاد گرا هم هیچ اشاره ای به تنوع مالکیت در اقتصاد ایران نشده بود. در حقیقت آنها اعتراض چندانی به فعالیت‌های گسترده نهادهای شبه دولتی و یا خصولتی در اقتصاد ندارند. آنها از پتروشیمی‌ها، فولادی‌ها و .به عنوان الیگارشی‌های فساد یاد می‌کنند بدون آنکه توجه کنند مالکیت این بخش‌ها در دست نهادهایی مثل تامین اجتماعی و صندوق‌های بازنشستگی است که ذاتاً نباید خود فعالیت اقتصادی و بنگاه‌داری کنند. در حقیقت نهادگرایان بدون توجه به دلایل بوجود آمدن رانت در اقتصاد (مثل ارز دولتی، تنوع مالکیت‌ها در بخش‌های مختلف اقتصادی و...)، ریشه مشکلات را در رویکردها و رفتارها جستجو می‌کنند و نه در ساختارهای مبتلا به فساد و رانت. از همین روست که در همان نامه معرف بیش از تاکید بر ضرورت انجام اصلاحات ساختاری از طریق واگذاری فعالیت‌ها به بخش خصوصی بر انجام نظارت‌های دقیق تاکید کرده بودند. متاسفانه برخی نهادگرایان به گونه‌ای از راه‌حل‌های خاص خود برای اقتصاد سخن می‌گویند که گویی این راه حل‌ها هر گز در کشورمان تجربه نشده است. در مثالی دیگر حسین راغفر در کنگره حزب مردمسالاری گفته بود: «باید ارز ثانوی در کشور تعطیل شود و قیمت آن برای سه‌الی چهار سال تثبیت و عرضه و تقاضای آن کنترل شود.» این جمله اما در حالی از توسط این اقتصاددان بیان می‌شود که در دولت از نیمه فرودین تا نیمه تابستان امسال با اعلام ارز تک‌نرخی و اعمال محدودیت‌های قانونی بر مبادلات ارزی عملاً در مسیری حرکت کرد که آقای راغفر پیشنهاد کرده است. مسیری که نتیجه طبیعی آن ایجاد رانت و فساد شدید در بازار ارز رسمی و بوجود آمدن بازارهای فرعی در کف خیابان فضای مجازی بود. آیا دولت برای مقابله با این وضعیت باید فضای مجازی را تعطیل و یا کف خیابان را با استفاده از نیروی نظامی تسخیر می‌کرد؟! البته انتقاد به سو مدیریت هایی نظیر عدم نظارت بر عملکرد پتروشیمی‌ها و بخش‌های دیگر اقتصادی انتقادی وارد است اما نباید فراموش کرد که بستر اول مماشات با تولیدکنندگان و در حقیقت قائل شدن رانت‌هایی نظیر نرخ ۳۸۰۰ در محاسبه خوراک پتروشیمی‌ها ناشی از شرایط فوق‌العاده در سیاست خارجی و با توجه به ریسک‌های غیر طبیعی تحمیل شده به این بخش بوده است.

خبر

جزئیاتی از تامین ارز زائران اربعین

بر خلاف برخی خبرها مبنی بر اختصاص دلار ۷۰۰۰ تومانی به زائران اربعین، قرار بر این نیست که ارزی به عنوان ارز مسافرتی با نرخ نیمایی در اختیار آنها قرار گیرد؛ بلکه فقط هزینه ویزای زائران در قالب حواله ارزی با نرخ نیما پرداخت می‌شود و ارز سفر باید از بازار و همانند سایر مسافران تهیه شود. به گزارش ایسنا، همزمان با فرا رسیدن ماه محرم یکی از مسایلی که در چند سال اخیر مطرح و مورد توجه بوده تامین ارز زائرانی است که در ایام اربعین به کشور عراق سفر می‌کنند. در همین جریان اخیرا برخی خبرها به نقل از مسئولان در مورد تامین ارز اربعین با دلار حدود ۷۰۰۰ تومانی منتشر شد و این گونه از آن برداشت می‌شد که قرار است به این گروه از متقاضیان، ارز ارزان قیمت برای سفر داده شود. در حالی که پیگیری موضوع از منابع مطلع حوزه ارزی با این توضیح همراه بود که قرار نیست به هیچ عنوان ارزی با نرخ نیما (نظام یکپارچه معاملات ارزی) در قالب ارز مسافرتی به زائران پرداخت شود و آنان باید ارز مورد نیاز خود را از بازار تامین کنند، اما هزینه ویزای این مسافران با توجه به نرخ روزانه نیما به حساب سفارت عراق در ایران از سوی بانک مرکزی حواله خواهد شد. در این حالت دیگر هیچ اسکناسی به طور مستقیم به زائران اربعین داده نمی‌شود.

اما تا قبل از شهریور ماه سال قبل یعنی پیش از حذف ارز مسافرتی که با نرخ مبادله‌ای (کمتر از ۳۵۰۰ تومان در آن زمان) به متقاضیان پرداخت می‌شد، مسافران عتبات عالیات می‌توانستند تا ۲۰۰ دلار و سایر مسافران تا ۳۰۰ دلار از بانک مرکزی دریافت کنند، اما بعد از حذف ارز مسافرتی از نرخ مبادله‌ای بود که جریان تامین ارز سفر به بازار آزاد روانه شد و البته با توجه به اختلاف پایین نرخ در دو حوزه آزاد و مبادله‌ای، تفاوت چندانی هم برای مسافران نداشت و ارز خود را با ارائه مدرک به صرافی بانک‌ها با کمی اختلاف از نرخ بازار تامین می‌کردند. در سال گذشته هم که ارز مبادله‌ای برای زائران حذف شد، بانک مرکزی اعلام کرد که به آنها دلار نه، اما دینار (واحد پول عراق) پرداخت خواهد کرد که البته خود با حواشی همراه بود، ولی در هر صورت متقاضیان می‌توانستند نیاز خود را از بازار با دلار حدود ۳۸۰۰ تومانی که نرخ آن زمان بازار بود، تهیه کنند. اما جریان برای سال جاری با توجه به تغییراتی که در سیاست‌های ارزی دولت ایجاد شد کمی متفاوت است، چرا که دیگر خبری از ارز مسافرتی ارزان قیمت نیست و اکنون با توجه به انتقاداتی که به ارائه ارز یارانه‌ای به سفر به دلیل خروج ارز از کشور وجود داشت، مسافران باید نیاز ارزی خود را از محل صرافی‌ها و بانک‌ها با نرخی نزدیک به بازار آزاد که حدود ۱۳ هزار تومان برای دلار و تا ۱۵ هزار تومان برای یورو است، تامین کنند و طبیعی آن است که زائران اربعین هم مانند سایر مسافران، ارز خود را از بازار خریداری کنند. اما در شرایطی برخی توقعات برای پرداخت ارز اربعین با دلار ارزان ۷۰۰۰ تومانی و یا کمتر وجود دارد که اگر قرار باشد این اتفاق رخ دهد آنگاه با توجه به نرخ موجود در بازار اختلاف بالایی ایجاد شده و باید یارانه ارزی سنگینی پرداخت شود. این در حالی است که زائران اربعین حدود یک میلیون نفر تخمین زده می‌شوند که اگر برای هر کدام فقط ۲۰۰ دلار هم پرداخت شود، حدود ۲۰۰ میلیون دلار لازم است که با دلار ۷۰۰۰ تومانی حدود ۱۴۰۰ میلیارد تومان هزینه دارد که با دلار حدود ۱۴ هزار تومانی بازار آزاد باید دولت تا ۱۴۰۰ میلیارد تومان دیگر یارانه ارزی پرداخت کند؛ آن هم در شرایطی که در حال حاضر تمامی مسافران باید ارز مورد نیاز خود را با نرخی همسطح بازار آزاد و از کانال صرافی یا بانک تامین کنند. باید یادآور شد که سامانه نیما محلی برای تبادل ارزی بین صادرکنندگان و واردکنندگان است که در بسته جدید ارزی با تعمیق بازار ثانویه، به طور گسترده‌تری این معاملات انجام شده و طبق آخرین آمارها در حدود یک ماه گذشته حدود دو میلیارد یورو تامین ارز در این سامانه انجام شده است. در حالی هزینه ویزای زائران اربعین در قالب حواله نیمایی پرداخت خواهد شد که عمده واردات کالا و خدمات از این طریق در نیما انجام می‌شود.